



جشن غدیر خم در مجتمع توحید پسران با حضور نماینده مقام معظم رهبری

روز غدیر خم مراسمی با حضور نماینده مقام معظم رهبری آیت الله منشی و حجت الاسلام ناصری خطیب توانا و کلیه دبیران و فرهنگیان فرهیخته شایان در مجتمع های آموزشی در محل سالن اجتماعات مجتمع آموزشی نمونه توحید پسران برگزار گردید. در این مراسم معنوی آیت الله منشی نکاتی را در مورد غدیر خم بیان نمودند و پس از آن حضار محترم از سخنرانی حجة الاسلام والمسلمین ناصری بهره بردند.



**سخنرانی آیه الله
در مجتمع سلمان**

بد.
د فرمودند بزرگترین
ستند و بلید برای



شماره ۵۵
پانزدهم
۱۳۹۱

بچه ها خبر!



مراسم انجمن اولیا و مربیان مجتمع توحید
پسران با حضور نماینده مقام معظم رهبری

بر گزار شد.
حضرت آیه الله منلی در این مراسم بر محور به سخنرانی پرداختند و
ضمن بیانایی شیوا به حضار محترم فرمودند: بهترین سرمایه گذاری
سرمایه گذاری روی نسل و تربیت نسل آینده است از لحاظ معنوی
بهترین پس انداز برای آخرتتان هم باز تربیت فرزندانمان هستند به
شرط اینکه خوب تربیت شوند.



گزارش اقامه نماز جماعت و سخنرانی در مجتمع خدیجه کبری (س) و دخترانه توحید

براساس برنامه ریزی سرپرستی مدارس بمنظور تعظیم شعائر اسلامی در ایام سوگواری سالار شهیدان حسین بن علی (علیه السلام) نماز جماعت و سخنرانی در ماه محرم الحرام تشکیل و از جناب حجة الاسلام و المسلمین داودی نژاد جهت برنامه فرهنگی و نماز جماعت دعوت به حضور گردید. وی ضمن اقامه نماز جماعت ظهر و عصر و ایراد سخنرانی در جمع دانش آموزان مجتمع به توضیح و تشریح عناوینی همچون ولایت شناسی پرداختند.

برادران شیرین



.... به قول بعضی بچه‌ها

حتماً یه کامیون با بار
آبالو همین نزدیکی‌ها
چپ کرده! ...



روزگار خوشی بود. چه چیزی بهتر از این
که هفته ای سه تا کامیوت آبالو به هر
رزمنده بدهند.



خدا رو شکر وفور نعمته! بیاین برادران... بفرمایید کامیوت!!! ...



مراسم کامیوت خوری که شروع می‌شد، غلامعلی می‌آمد و
گوشه‌ای می‌ایستاد و منتظر یک تعارف بود.

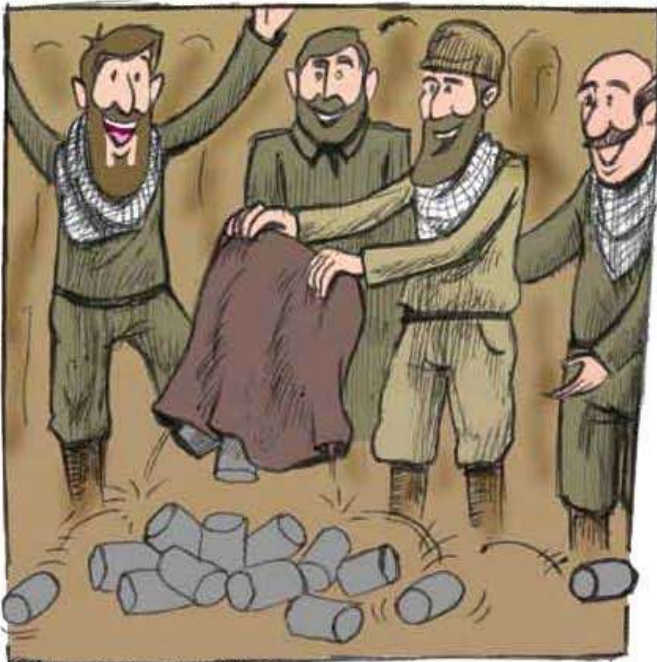
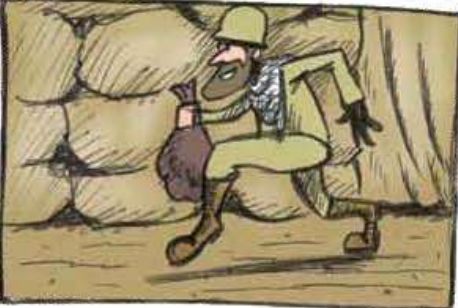


امان از دست غلامعلی ...

ر میان ما یکی وجود داشت به نام غلامعلی،
که سهمیه‌اش را نگه می‌داشت



فکر حتی یک دونه آلبالو رو هم از سرتون بیرون کنین! اون موقع که می‌نشستین دور هم معرکه می‌گرفتین و آلبالو می‌خوردین فکر این روزارو می‌کردین؟ من ریاضت کشیدم. زحمت کشیدم. بر نفس خودم غلبه کردم.



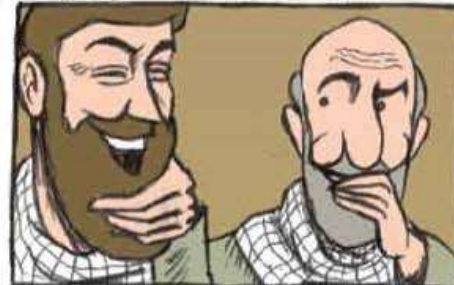


آخیش! الهی حق پدر
صاحب انبار را بیمارزه.
عجب خوشمزه بود.



غلامعلی از همه جا بی خبر زودتر از همه در
مراسم کمبوت خوری حاضر شد.

خنده‌مان گرفته بود. غلامعلی خیال می‌کرد به حرفهای او می‌خندیم.
چاره‌ای نبود. باید ماجرا را برایش می‌گفتیم.



الهم صل علی محمد و آل محمد



برای سلامتی غلامعلی
صلوات بفرست!؟!



دعا کنیم دوباره کامیونی. چیزی چپ
کنه و دوباره به نون و نوایی برسیم.

همه گفتند: آمین ...



غلامعلی کمبوت ما
و شما نداره داداش...



با ورزش سلول‌های مغزی خود را قوی سازید



کارخانه‌های را
در نظر بگیرید که محصولاتی بسیار
مرغوب، با کیفیت بالا و ظاهری زیبا ارائه می‌دهند. واضح
است که این کارخانه باید در ابتدا با مدیریتی قوی و همچنین ابزار و
دستگاه‌هایی سالم و پیشرفته کار کند. سیستم کیفیتی دستگاه‌ها باید مرتباً مورد
بررسی قرار گیرد تا از بی‌نقص بودن آنها اطمینان حاصل شود و یا اگر نقص یا کمبودی
هست، توسط افراد متخصص و آگاه برطرف گردد. طبیعتاً در این گونه موارد، ایده‌ها، نظرات و
پیشنهاداتی نیز توسط افراد صاحب‌نظر و مسلط به امور مطرح می‌شود که باعث بالا رفتن کیفیت کالای
ساخته شده می‌گردد.
این کارخانه راه ذهن و تفکر خود در نظر بگیرید و کالاها را، ایده‌ها، اختراعات و خلاقیت‌های خود مجسم سازید.
در کارخانه ذهن شما بهترین و مرغوب‌ترین کالاها ساخته می‌شود. از پیشرفته‌ترین سیستم رایانه‌ای، بهترین آثار
فرهنگی و هنری، مدرن‌ترین ساختمان‌ها و سازها گرفته تا پیشرفت‌های فوق‌العاده در علوم پزشکی و انواع کتاب‌ها و
مقالات...
و اما پیشنهاد افراد متخصص و آگاه در مورد قدرتمند شدن ذهن و فکر شما، ورزش است.
ورزش باعث شادابی و سلامت جسم و روان است. قوای فیزیولوژیکی دارد، بر روان، فکر و شخصیت افراد نیز، آثار سودمند و قابل توجهی
علاوه بر این که تأثیرات مثبتی بر بدن و قوای فیزیولوژیکی دارد، بر روان، فکر و شخصیت افراد نیز، آثار سودمند و قابل توجهی
را دارا است. صفات مطلوب و پروری همانند:
● بالا بردن قدرت خلاقیت
● احساس آرامش
● تقویت احساس قدرت و اراده
● تقویت اعتماد به نفس
● افزایش تمرکز و دقت عمل
● داشتن ظاهری خوب و مناسب
● تقویت قوای ذهنی و شخصیت اجتماعی توانمند.
● برافسردگی و بی‌حوصلگی و به طور کلی، تقویت قوای ذهنی و شخصیت اجتماعی توانمند.
چند پیشنهاد جهت بالا رفتن و بهتر شدن عملکرد مثبت در تمرینات ورزشی:

انجام تمرین‌های ورزشی:

در طبیعت و
فضای باز

همراه با
موسیقی

به
صورت گروهی
و دسته‌جمعی

ورزش ذهنی و افزایش هوش و خلاقیت:

یوگا، تمرینات ذهنی و فکری مانند مراقبه... نتایج درخشان و پربراری را در تقویت حافظه، کاهش
اضطراب و پرورش و قدرتمندسازی توانایی‌های فکری، دارا می‌باشد. تحقیقات نشان داده است
افراد که تمرینات ساده یوگا را انجام می‌دهند از آرامش و قدرت عمل و همچنین شکوفایی ذهنی
چشمگیری بهره‌مند می‌شوند.

زندگی انسان وابستگی فراوانی به حرکت، پویایی و تلاش دارد و اگر تلاش و فعالیت ذهنی و بدنی
همراه با برنامه‌ریزی و هماهنگی‌های مناسب طراحی و اجرا شود، سلامتی، شادابی و موفقیت را به
همراه خواهد داشت.



قانون

تقسیم یک پروژه بزرگ
به اجزای کوچک تر



گام یکم:
با
سه درصد
شروع کنید

حتی

بزرگ‌ترین و عظیم‌ترین پروژه‌ها هم از اجزای بسیار کوچک تشکیل شده‌اند. من تقسیم یک پروژه بزرگ به اجزای مرحله‌های کوچک‌تر را قانون سه درصد می‌نامم. به همین دلیل با آن شروع می‌کنم، چون این همان چیزی است که موجب شد تا من در جاده‌ی موفقیت بی‌بتم و به موفقیت شما هم کمک می‌کند. من مستقیماً از فکر به سوی هدفم نرفتم، بلکه یک مسیر پرخطر را با گام‌های کوچک طی کردم. حاصل این گام‌های کوچک من، کار عظیمی بود که به آن افتخار می‌کنم. بنابراین، برای هر پروژه‌ای که می‌خواهید از عهده‌ی انجامش برآیید، بزرگ یا کوچک، در محیط کار یا در خانه، باید قانون سه درصد را در نظر بگیرید. خود را آماده کنید و تصمیم بگیرید که موفق شوید، ولی در عین حال مطمئن شوید که زیاد به خودتان فشار نیاورید و شتاب هم نگیرید. اگر پیشرفت‌تان کند باشد، مهم نیست. چون تا زمانی که کاملاً متوقف نشده‌اید، هنوز در راه هستید و خواهید دید که برای رسیدن به موفقیت هیچ راز و رمزی در کار نیست. همه می‌توانند آن را انجام دهند و موفق شوند. پس شما هم می‌توانید.

غالباً، نقشه‌های بزرگ به شکست می‌انجامند، چون کار زیادی با سرعت زیاد انجام می‌شود. به همین دلیل قانون سه درصد را اجرا می‌کنیم، یعنی کارهای بزرگ را به کارهای کوچک تقطیل می‌دهیم تا قدم‌ها قابل کنترل و مدیریت باشد و به مردم کمک کند تا به آرزویشان به طور کامل جامه‌ی عمل بپوشانند. قانون سه درصد طبیعی‌ترین راه برای رسیدن به اهداف است. به این ترتیب از رسیدن به آرزوهای بزرگ خود عقب نمی‌مانید. فقط در هر بار یک قدم بردارید.

گام‌های کوچک و موفقیت‌های بزرگ

گام‌های بزرگ را فقط انسان‌های بزرگ برمی‌دارند، اما جمع چندگام کوچک در آخر ممکن است موفقیت بزرگی جلوه کند، حتی اگر از ابتدا طراحی نشده باشد. یکی از دوستان من یک شرکت صوتی تأسیس کرده بود که انواع جایزه‌ها را به خود اختصاص می‌داد. او جوانان زیادی را که آینده‌ی چندین روشنی نداشتند استخدام می‌کرد و این فرصت را به آن‌ها می‌داد تا شرکت را اداره کنند. تنها عده‌ی معدودی از آنان در اداره‌ی کارها ناموفق بودند. یک روز از او پرسیدم چگونه به تنهایی این تجارت موفقیت‌آمیز را شروع کرده است. او گفت: این ماجرا برمی‌گردد به دوره‌ی دبیرستان که خرید لوازم صوتی دست دوم را شروع کردم. آن‌ها را تعمیر می‌کردم و با یک آگهی در مجله، آن‌ها را می‌فروختم. بنابراین اندوختن پنی‌ها و پوندها آغاز شد. با همین درآمد، اولین فروشگاه خودم را دایر کردم و از درآمد همین فروشگاه بود که مرتباً پیشرفت کردم و معروف شدم.

او همیشه در فروشگاه خود از قانون سه درصد استفاده می‌کرد و کارهای کوچکی را انجام می‌دهد تا کارکنان خود دارد و به آن‌ها توانایی و اختیار بدهد.

به خاطر داشته باشید که موفقیت‌های شما هر قدر هم که کوچک باشند، از آن‌ها لذت ببرید و به خاطرشان جشن بگیرید.



(نویسنده کودک و نوجوان)

● **آقای جهان‌نور نوشتن را چطور و از چه زمانی آغاز کردید؟**
از همان دوران دبستان به نوشتن علاقه‌مند شدم و می‌توانم بگویم که سیامشوق‌هایم را از چهارم و پنجم دبستان شروع کردم. زمانی که ۱۱، ۱۰ سالم بود البته ناگفته نماند که تشویق‌های برادر، خواهر و اقوام اهل کتابی که به خانه ما رفت و آمد داشتند، همچنین برخی از معلمین خوب هم بی‌تأثیر نبود. در سال ۱۳۶۶ یکی از داستان‌های کوتاه‌م به نام «فرها» به مدرسه می‌روم» در یکی از نشریات کودکان آن زمان چاپ شد. بعد از چاپ داستانم بی‌آنکه منور شوم امید زیادی به ادامه راه پیدا کردم تا کلام را با تلاش بیشتری ادامه دهم.

● **در شروع نوشتن چه ارزیابی ضروری است؟**
من فکر می‌کنم مهمترین ارزیابی که برای نوشتن یک داستان احتیاج داریم آرامش روح و روان است. اول باید به آن آرامش روحی برسیم، بعد ترلوشت روحمان را روی کاغذ یا کامپیوتر بیابیم.

● **سوزها را چطور انتخاب می‌کنید؟**
در پیدا کردن سوزها گاهی از مناظر اطرافم کمک می‌گیرم و یا گاهی از مشاهده یک اتفاق ساده در بیرون یا داخل منزل و گاهی از خاطرات گذشته گاهی در حین مسافرت، داخل تاکسی، اتوبوس، مترو، توی خیابان سوزهای می‌بینی و احساس می‌کنی اگر آن را بنویسی قصه خوبی خواهد شد. نکته دیگر اینکه یک نویسنده تازه‌کار، زمانی می‌تواند به نوشتن امیدوار باشد که اندوخته مطالعاتی‌اش زیاد باشد و من در همین جا داخل پراگماتیک بگویم که داستان‌نویسی از جمله هنرهایی است که یک شبه یا حتی یک‌ساله نمی‌توان در آن حرفه‌ای شد. پیشرفت کردن در این مقوله احتیاج به تمرین، مطالعه و ممارست دارد.

● **چرا داستان کوتاه را انتخاب کردید؟**
بیشتر کارهای من داستان کوتاه است. زیرا این سبک از ادبیات را دوست دارم. جذابیت و نوع نوشتن بعضی از داستان‌هایی که می‌خواندم آنقدر تأثیرگذار بود که به این نوع نگارش علاقه‌مند شدم. مثلاً کارهای استخوان داستان کوتاه جهان مثل «چخوف»، «همینگوی»، «سلینجر» و «هوبز» در من انگیزه ایجاد می‌کرد.

● **ویژگی یک داستان موفق چیست؟**
به نظر من در یک داستان کوتاه یا رمان موفق، مهمترین کاری که یک نویسنده باید از خود نشان دهد این است که با ترفندی که نشأت گرفته از بلوغ، خلاقیت، تکنیک و نوع نوشتن هست خواننده را با خود همراه سازد. در این نوع مبالغه خواننده به یک نوع همزاد پنداری یا نویسنده می‌رسد و اثر را رها نمی‌کند. شروع، لوج و قعود داستان نکات بسیار کلیدی برای نوشتن یک داستان هستند. به نظر من اگر در واقع گرایانه‌ترین داستان‌ها هم از عنصر تخیل استفاده نکنیم، نمی‌توانیم در جلب مخاطب تأثیرگذار باشیم.

● **شما برای نوشتن داستان از چه چیزهایی الهام می‌گیرید؟**
علاقه‌ی زیادی به طبیعت خصوصاً باغ، درخته مزرعه، صرپه، یرکه، تالاب و جنگل دارم و مطمئناً بیشترین الهاماتم این‌ها هستند و دیگر اینکه من به دوران نوجوانی‌ام بسیار وابسته هستم به خاطر همین، در نوشتن بسیاری از داستان‌هایم از خاطرات آن دوران کمک می‌گیرم.

● **به کسانی که به نوشتن علاقه‌مند هستند چه توصیه‌ای دارید؟**
بخوانند و بنویسند. هرچه بیشتر بخوانند بهتر می‌نویسند. اول هوششان را از کلمات و واژه‌ها پر کنند، وقتی ذهن لبریز شد خود به خود نوشته‌ها و سوزها بر روی کاغذ سرریز می‌شوند. خواندن مجله، روزنامه، کتاب، خیلی در باوروستی استفاده‌ها مؤثر است. من متقدم مطالعه بهترین آموزگار برای نویسنده شدن است.

مطالعه بهترین آموزگار برای نویسنده شدن است



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

تاریخی ترین تصمیم



آنجا مصطفی کفایش زاده می‌گرفتند، برای ما جالب‌ترین خاطره، ساعت قبل از حرکت به تهران امام خمینی (ره) بود که امام فرمودند: «آقایانی که این جا کار می‌کنند و خدمت می‌کنند بیایند این طرف.»

موقع خداحافظی و شب وداع ما رفتیم ائلق آن طرفه فرمودند: «من اصحاب تصمیم به رفتن گرفتنم، اما مسلماً خطر است، ولی خطر برای من است. شما با من نپایید، من با احمد می‌روم.»

من گفتم: شما اجازه بدهید که ما هم بیاییم، حتی غنیمها هم که این را شنیدند به من پوفام دادند که مگر ما از حضرت زینب عزیزتریم که ما بیاییم و نهایی حضرت زینب (س) یا امام حسین (ع) رفتند ما هم همراه شما می‌آییم. وقتی من این را گفتم عده‌ای گریه کردند و گفتند: ما اگر هزار جان داشته باشیم آن را در راه شما و اسلام فدا می‌کنیم، شما اجازه بدهید، ما باید همراه شما باشیم.

امام وقتی تکراری و احساسات ما را دیدند اجازه دادند، اما گفتند: «خانها با هواپیمای بعدی یا فردا و پس فردا اگر ما سالم رسیدیم بیایند.»

ما خوشحال شدیم و گفتم: اگر اجازه بدهید این شب آخر یکدیگر را با شما بگوئیم، شاید حدود نیم ساعت یا سه ربع امام نشستند مخصوص عکس گرفتن. امام با آن محبت و نظر بالا از همه قدردانی و خداحافظی کردند و آماده شدند برای حرکت.

انجمن علمی از سوره امام حسین (ع) آ. ج. ۱، ص. ۲۵۹

کار بد از همه بدتر ولی از تو بد تره!!

به دستور منصور صندوق بیت المال را باز کرده بودند و به هر کس از آن چیزی می دادند، شقرانی یکی از کسانی بود که برای دریافت سهمی از بیت المال آمده بود ولی چون کسی او را نمی شناخت وسیله ای پیدا نمی کرد تا سهمی برای خود بگیرد. شقرانی را به اعتبار اینکه یکی از اجدادش برده بوده و رسول خدا او را آزاد کرده بود و قهرا شقرانی هم آزادی را از او به ارث می برده، مولی رسول الله، می گفتند یعنی آزاد شده رسول خدا، و این به نوبه خود افتخار و انتسابی برای شقرانی محسوب می شد و از این نظر خود را وابسته به خاندان رسالت می دانست.

در این بین که چشمهای شقرانی نگران آشنا و وسیله ای بود تا سهمی برای خودش از بیت المال بگیرد، امام صادق علیه السلام را دید، رفت جلو و حاجت خویش را گفت.

امام رفت و طولی نکشید که سهمی برای شقرانی گرفته و با خود آورد. همینکه آن را به دست شقرانی داد، با لحنی ملاطفت آمیز این جمله را به وی گفت:

«کار خوب از هر کسی خوب است، ولی از تو به واسطه انتسابی که با ما داری و تو را وابسته به خاندان رسالت می دانند خوبتر و زیباتر است. و کار بد از هر کس بد است، ولی از تو به خاطر همین انتساب زشت تر و بد تر است.» امام صادق (ع) این جمله را فرمود و گذشت. شقرانی با شنیدن این جمله دانست که امام از سر او یعنی شرابخواری او آگاه است، و از اینکه امام با اینکه می دانست او شرابخوار است به او محبت کرد و در ضمن محبت او را متوجه عیبش نمود، خیلی پیش وجدان خویش شرمسار گشت و خود را ملامت کرد.